

عنوان مقاله:

تئوری آنومی دورکیم و مرتن؛ شباهتها، تفاوتها و شیوههای اندازهگیری

محل انتشار:

فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره 17، شماره 66 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 43

نویسندگان:

Hoshang Nayebe - دانشگاه تهران

Said Moeidfara - دانشگاه تهران

Seyed Hossien Serajzadeh - دانشگاه خوارزمی تهران

Iraj Faizi - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

خلاصه مقاله:

مقدمه: تئوری آنومی دو صاحب نظر اصلی دارد؛ یکی دورکیم به عنوان بنیان گذار و دیگری مرتن به عنوان کسی که این تئوری را بسط داد و نظام مند کرد. علیرغم این، تئوری آنومی دورکیم تفاوت‌های زیادی با تئوری آنومی مرتن دارد که تحت تاثیر سلطه تئوری مرتن بر پژوهش‌های جامعه شناختی، عموماً نادیده گرفته شده است. هدف این مقاله بیان تئوری آنومی دورکیم و تئوری آنومی مرتن و کنکاشی در تفاوت‌های آنهاست. این موضوع به دلیل برداشتهای نادرستی که از این دو تئوری وجود دارد لازم به نظر می رسد. این مطالعه علاوه بر وجه تئوریک، با توجه به شرایط آنومیک جامعه ایران که مورد اجماع بسیاری از صاحب نظران است، اهمیت کاربردی نیز پیدا می کند. در پایان نیز شیوه های اندازه گیری آنومی با توجه به رویکردهای متفاوت توضیح داده شده است. مرور انتقادی: نتایج این مطالعه نشان داد بین تئوری آنومی دورکیم و مرتن از نظر تاکید بر آرزوها و اهداف و وسایل دستیابی به آنها، اهمیت زمان و سرعت تغییرات، انسان شناسی و منشاء آرزوها و خواسته ها، تاکید بر پایه اخلاقی در برابر پایه هنجاری نظم، اثر طبقه اجتماعی بر آنومی و گستره و جامعیت تبیین تفاوت وجود دارد. در حالی که آنومی از نظر دورکیم با آرزوهای نامحدود مشخص می شود، مرتن به فقدان وسایل مشروع برای رسیدن به اهداف و آرزوهای محدود و حتی تجویز شده اشاره دارد. زمان و سرعت تغییرات برای دورکیم عامل تعیین کننده است؛ اما مرتن اساساً به زمان توجه ندارد. دورکیم هم به آنومی حاد و هم به آنومی مزمن توجه داشت؛ اما مرتن صرفاً به آنومی مزمن پرداخت و به همین دلیل موضوع سرعت تحولات از دستور کار او خارج شد. مرتن بر خلاف دورکیم جاه طلبی و فزون خواهی را ذاتی بشر نمی دانست، بلکه آن را متأثر از فرهنگ جامعه می دانست. دورکیم به پایه اخلاقی نظم و مرتن به پایه هنجاری نظم توجه داشت. دورکیم معتقد است طبقات بالاتر بیشتر مستعد آنومی و پیامدهای آن همچون خودکشی هستند. اما مرتن برعکس دورکیم معتقد است که دستیابی به اهداف و آرزوها برای همگان به طور یکسان فراهم نیست و از این نظر طبقه پایین فشار بیشتری را متحمل می شود و لذا بیشتر احتمال دارد دست به جرم و جنایت بزند یا درگیر سایر انواع انحراف و ناهم‌نواپی بشود. مطابق با رویکرد دورکیم، شرایط آنومیک تنها توان تبیین بخش محدودی از مسائل و انحرافات را دارد. اما تئوری آنومی مرتن بر آن است که گستره بیشتری از انحرافات و کج رویها را پوشش دهد. در پژوهش‌های حوزه آنومی، برای اندازه گیری آنومی از دو شیوه اصلی استفاده شده است؛ یکی استفاده از مقیاسهای آنومی و دیگری اندازه گیری آرزوها و اختلاف آن با احتمال دستیابی به آرزوهاست. بحث: علیرغم اینکه عموماً تئوری آنومی مرتن را بسط تئوری آنومی دورکیم می دانند، اختلافات قابل توجهی بین آنها وجود دارد که گاهی حتی جهت‌های کاملاً متفاوتی می توانند به پژوهش‌ها بدهند (از جمله در خصوص اثرات طبقه). هر کدام از این تئوری‌ها قابلیت‌های متمایزی دارند که با درک این قابلیت‌ها، امکان بهره مندی از آنها فراهم می شود. به عنوان مثال تاکید ویژه و برجسته ای که تئوری آنومی ...

کلمات کلیدی:

Acute and chronic anomie, social deviations, aspirations, goals and means

آنومی حاد و مزمن، آرزوها، انحرافات اجتماعی، اهداف و وسایل

